

باز هم تظاهر بدموکراسی

در آستانه مسافرت لیندن جانسون معاون رئیس جمهور آمریکا بایران اعلیحضرت که مدت تهاست منفرد اویدون دخالت دادن احدی برخلاصمد لول صریح قانون اساسی بر مملکت حکومت میکنند در روز آغاز مشروطیت و روز ۲۸ مرداد که باید آنرا روزیایان مشروطیت نامید بدموکراسی و محترم شمردن حقوق و آزادی مردم که وجود خارجی ندارد اظهار علاقمندی میکنند بدون آنکه حتی قدمی عملادراین راه بردارند. اظهاردلبستگی بر رژیم مشروطه میشود تسلط معاون ریاست جمهور ایالات متحده تصور کند که حکومت مشروطه در کشور ایران وجود دارد. اظهار علاقمندی زبانی بحقوق و آزادیهای مردم میشود تسلط ملت آمریکا تصور کند که معاون ریاست جمهوریش بحسب مشروطیت که مردم آن از نعمت دموکراسی برخوردارند. برای پوشاندن نارضایتی ها اوید بختیبهائی عمومی از هم اکنون صحنه آرائی میشود که زبان بسته ای مطیع را بنام نماینده روسائیان و کارگران طوطی صفت بمصاحبه با معاون رئیس جمهور وادارند و تظاهرها کنند که مردم ایران از وضع و حال رقت بار خود راضی اند. اگر هیئت حاکمه مستبد و ضد ملی راست میگوید و اگر نمایندگان ملل آزاد جهان بر استی مایند که بحقیقت امور این کشور و خواست های واقعی مردم و وطنخواه ایران بی برند حصار سرنیزه را برچینند و خبرنگاران و نمایندگان کشورهای دیگر که بمملکت مامیآیند بگذارند با جمعیتها و گروه های ملی از قبیل دانشجویان - کارگران - روشنفکران و سران آنها بمصاحبه و گفتگو بردارند و اظهارات آنان در جریان داخل انعکاس یابد تا حقیقت اوضاع روشن گردد. فی المثل معاون ریاست جمهور آمریکا که بایران میآید فقط باعمال هیئت حاکمه که عامل اصلی بد بختیها و ورشکستگی ایران هستند تماس میگیرد و اوضاع و احوال را از دریچه چشم آنان می نگرد و در این صورت هیچ عیب و نقصی دیده نمیشود.

مامیل داریم مستقل و آزاد زندگی کنیم و درآمدهای سرشار کشور بوسیله دولت های منبعت از ملت در راه ترقی و سعادت مملکت و رفاه و آسایش مردم محرم صرف شود. مامیل داریم تمام افراد وطنخواه کشور در سرنوشت و وطن خود دخالت داشته باشند و از سرمایه های ملی و درآمدهای کشور همه برخوردار باشند و از این راه وحدت ملی مستحکم بوجود آوریم و استقلال و آزادی کشور خود را بانثار جان خود حفظ کنیم و اگر پیش از این در انجام آرمانهای ملی بی اعتنائی شود نارضایتی عمومی بجائی خواهد رسید که جبران آن امکان پذیر نخواهد بود. هیئت حاکمه ضد ملی و زورگو علی رغم خواست های ملت سعی میکند بسا تکیه بسرنیزه بدلسوزی ملت و اصلاح صلبی تظاهرها کند تا شاید مانند گذشته بتواند کمک های مالی از غرب یا شرق بگیرد و بوسیله آن از ورشکستگی نجات یابد و بروش استبداد یکنه شده ادامه دهد و فرصتی یابد که باز غارتگران اموال عمومی کیسه ها را پر کنند و پشت ملت ایران را در زیر بار قرض کمر شکن دیگری بیشتر خم کنند. هیئت حاکمه فاسد و نالایق میخواهد بوسیله تظاهرها ترقی خواهی و دموکراسی را استبداد کبیر کنونی بردارند و استتار بکشند و آنرا از انظار جهانیان پوشیده دارند در صورتیکه وقتی مشروطیت را تعطیل میکنند و پس از یک سال و نیم باز از انجام انتخابات و افتتاح پارلمان عمد اجلو گیری میشود و دانشجویان دانشگاه را بجرم آزاد یخواهی و وطن دوستی بخاک و خون میکشند و جراید را آنچنان دچار سانسور میکنند که حتی نام جبهه ملی را نمیتوانند بنویسند و بسا امتحانیکه در گذشته از خود داده اند یقینا کسی چنین تظاهراتی را باور نخواهد کرد.

ما صریحا با آقای جانسون معاون رئیس جمهور آمریکا و نمایندگان دول دیگر یاد آور میشویم که حکومت فعلی ایران بمعنا سبب تعطیل عمدی مشروطیت و محروم کردن ملت ایران از داشتن پارلمان که رکن اساسی مشروطیت است نمیتواند نمایند ملت ایران شناخته شود گفتگو و تعهدات آنان برای کشور و ملت ایران تعهد آور نیست و شخص یاد شاه هم چون بموجب قانون اساسی هیچگونه مسئولیتی ندارند اخلاصشان در امور کشور و مذاکراتشان بسا نمایندگان خارجی جایز نبود و قانونا اثری نمیتواند داشته باشد و نمایند هر دولت خارجی برخلاف تمایل مردم و قانون اساسی بحکومت استبدادی کنونی ایران کمک نماید بی شك جز انزجار و تنفر ملت ایران بهره ای نخواهد برد.

باردیگریکسانیکه با استقلال و آزادی ایران اظهار علاقه میکنند چه خارجی باشند و چه داخلی صریحا گوشزد میکنیم که اگر در اظهارات خود نسبت به استقلال و آزادی ایران صدقت دارند باید متوجه باشند که تها راه رسیدن باین مقصود جلب رضایت ملت ایران و تامین رفاه و آسایش عمومی است و انجام آن امکان پذیر نیست جز اینکه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی بملت ایران بازگردند و با پایبندی بدون بحکومت استبدادی بزطبق قانون اساسی سرنوشت مردم بدست خود شان سپرده شود در اینصورت شك نیست که برخلاف وضع موجود نارضایتی عمومی مرتفع و وحدت ملی جای آنرا میگیرد و ملت ایران بسا استقرار حکومت قانونی قادر خواهد بود عدالت اجتماعی را برقرار سازد و در برابر هرگونه خطری باکمال دلگیری و سرسختی از آزادی استقلال خود فاع کند

کنگره سازمانهای جبهه ملی ایران در آمریکا

بطوریکه در شماره ۲۷ این نشریه اطلاع دادیم اولین کنگره سازمانهای جبهه ملی در آمریکا در روزهای ۷ و ۸ جولای برابر ۱۷ و ۱۸ تیر ماه ۱۳۴۱ در شهر نیویورک تشکیل گردید و پس از انتخاب مراجع سازمانی قطعنامه و خط مشی تصویب و اعلام شد. قطعنامه دارای مقدمه فاضلانهای است که در آن - اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار گرفته و سپس راجع بجبهه ملی چنین اظهار نظر شده است :

..... در شرایط کنونی جبهه ملی ایران از نظر جوایبگوئی با احتیاجات ملت ایران چه از نظر سیاست داخلی و چه از نظر سیاست خارجی ضرورت تاویخی عصر ما در آن منطقه خاص جهان است. اگر قرار است صلح برقرار ماند و نیروهای انسانی میهن مانه بخاطر وسیع امکانات و استعدادات خود بخاطر یک بلوک و علیه بلوک دیگر - بلکه در جهت ساختمان یک جامعه آزاد و مستقل از دین و بلوک بکار رود پیروزی جبهه ملی تها راه حل این مسئله ملی و جهانیست و بر ما و همه مردم آزاد هود راست اندیش میهن ما است تا با تشکیل در صفوف جبهه ملی و یافداکاری دست جمعی خود روزی پیروزی جبهه ملی را نزد یکتا سازند. امروز جبهه ملی ایران مرکز تجمع نیروهای آزاد یخواه میهن دوست ایران در مبارزه با حکومت غیر قانونی و فاسد رژیم کودتا و استقرار حکومت قانونی و ملی است. جبهه ملی ایران مظهر رشد و تکامل مبارزه ضد استعماری و استقلال طلبانه ملت ایران علیه نفوذ سیاستهای امپریالیستی بیگانگان

و حکومت تحمیلی و ضد ملی دست نشانندگان آنان میباشد. جنبه ملی تکیه گاه روشنفکران و مردم محروم و غارت شده ایران در ادامه و تکامل مبارزه اجتماعی در جهت پایان دادن بر رژیم ظالمانه اقتصاد کنونی که متضمن استثمار بی رحمانه طبقات کارکردن همان بوسیله جمعی مفتخوار و طفیلی است میباشد.

جنبه ملی محل امید روشنفکران صادق و نیروهای حق جو و عدالتخواه در ریشروی یک جامعه انسانی که اجتماع بر روابط اقتصادی خود حاکم و استثمار انسان از انسان در آن ریشه کن شده باشد میباشد. با توجه به این حقایق است که جنبه ملی ایران در امریکا خواسته ها از بر اهد فها جنبه ملی اعلام میدارد.

قطعه نام

- ۱- اجرای اصول قانون اساسی - استیفای حقوق از دست رفته ملت ایران - اجرای انتخابات آزاد و استقرار حکومت ملی و قانونی - پایان دادن به دخالت دربار و امور مملکتی طبق قانون اساسی - برسمیت شناختن آزادیهای فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی.
 - ۲- آزادی فوری پیشوای عالیقدر ملت ایران دکتر محمد مصدق و سایر رهبران و زندانیان جنبه ملی.
 - ۳- اعلام آزادی مطبوعات و اجتماعات سیاسی ملی - پایان دادن به محاکم فرمایشی - آزادی زندانیان سیاسی که محکومیت و محاکمه آنها برخلاف آئین دادرسی انجام گرفته است.
 - ۴- اتخاذ یک سیاست مستقل از دین و ولوک جهانی - قبول اصل همزیستی مسالمت آمیز - توسعه روابط و دستاورد با کلیه دول و همکاری عمیق و صمیمانه با کشورهای غیر متعهد جهان - برکنار داشتن کشور از جنگ سرد میان دین و ولوک و خروج از بیمانه نظمی نظامی.
 - ۵- طرفداری از خلع سلاح عمومی - مخالفت با تهیه سلاحهای اتمی و آزمایشهای هسته ای برای مقاصد تخریبی - تقویت سازمان ملل و مخالفت با استیلا ی هریک از قدرتهای جهانی بر مقدرات آن.
 - ۶- تجدید فوری روابط سیاسی با جمهوری متحد عربی و پشتیبانی از نهضت رهایی بخش ملت عرب در راستای حکومتهای آزاد و سوسیالیستی.
 - ۷- پشتیبانی از آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ملی که برای رهایی از قید سیاست استعماری و نفوذ بیگانه بر خاسته اند.
 - ۸- مبارزه با فقر و بیکاری از راه تغییر هدفهای برنامه سوم در جهت صنعتی ساختن اقتصاد کشور - استقرار کارخانه ذوب آهن - تامین استقلال اقتصادی کشور - پایان دادن بنظام ارباب رعیتی - واگذاری زمین بکشاورزان بطور رایگان.
 - ۹- استفاده حد اکثر از کارشناسان ایرانی در امور نفت - کوشش در مصرف گازهای حاصله از نفت - استفاده از ظرفیت کامل پالایشگاه آبادان - فروش ۱۲ درصد نفت خام بوسیله شرکت ملی نفت که در قرارداد منظور شده - جلوگیری از اخراج غیر قانونی کارگران و کارمندان ایرانی - مخالفت با بهره برداری برخلاف اصول علمی و بطریق سودجویانه که باعث نابودی مخازن نفتی میگردد - حد اکثر استفاده از حقوقیکه حتی بموجب قرارداد کنونی میتوان بنفع ملت ایران استفاده کرد و تجدید نظر در مواردیکه برخلاف مصالح میهن ماصورت گرفته است.
 - ۱۰- مخالفت با هر نوع وام و قرضه خارجی بهر شکل و عنوان در غیاب مجلس شورایی ملی و نمایندگان واقعی ملت.
 - ۱۱- افزایش بودجه فرهنگ و بهداشت و برنامه های صنعتی ساختن اقتصاد کشور با کاستن از بودجه نظامی.
- خط مشی :** کنگره در جهت روشن ساختن خط مشی خود در باره مسائل مربوط به جنبه ملی بشرح زیر اعلام میدارد :
- ۱- فد اکاری و شجاعت سران جنبه ملی را که در دوره سیاه و پر وحشت بعد از کودتاقدر مردانگی علم نمود و وظیفه سنگین خود را بانهایت در ایست و فرزاندگی عمل کرده و در شرایط خفقان آور کنونی نیز مبارزه ادامه میدهند تجلیل فراوان نمود و بتمام زنان و مردان شرافتمندیکه در صفوف جنبه ملی بمبارزه مقدس خود در راه تامین آزادی و استقلال واقعی میهن خود مبارزه میکنند صمیمانه درود میفرستیم.
 - ۲- ماباد رک اهمیت رهبری خردمندانه مبارزات ملی و حق طلبانه ملت ایران و تامین وحدت برنامه و عمل در میان تمام نیروها بوسیله شورای مرکزی جنبه ملی طرفداری خود را از اصل تمرکز امور سازمانی و مرکزیت کامل بر اساس دموکراسی سازمانی ابراز و وابستگی کامل و پشتیبانی قطعی خود را از تصمیمات و خط مشی متخذ بوسیله آن شور اعلام میداریم.
 - ۳- ما بنام قانون و بنام ملت خود اعلام میداریم که دولت کنونی نماینده قانونی ملت ایران و برگزیده نمایندگان مردم ایران نبود و تعهدات چنین دولتی از نظر قرارداد های اقتصادی و ریافت وام و تعهدات نظامی از نظر ملت ایران ارزشی ندارد.
 - ۴- ما فرمان شش ماده ای که بموجب آن در جهت تعطیل مشروطیت حق انقضا قانون بقوه مجریه داده شده برخلاف نص صریح قانون اساسی و بدیهی ترین اصول دموکراسی و حکومت ملی دانسته مخالفت صریح و قطعی خود را با غصب حاکمیت ملی بوسیله دربار اعلام و عواقب وخیم اعمال کسانیسرا که بدینوسیله اصول مشروطیت را زیر پا میگذارند با آنها گوشزد مینمائیم.
 - ۵- بهانه هیئت حاکمه جنایتکار در ارتکاب اینهمه اعمال شرم آور و تعطیل مشروطیت و تخصیص ۵۰ درصد بودجه کشور بامور نظامی در حالیکه کمبود بودجه و بار مالیات غیر مستقیم و قرضه های خارجی برد و شکارمندان دولت - دبیران - آموزگاران - کارگران - کشاورزان و سایر طبقات مزد بگیر سنگینی میکند ادعای بوج مبارزه با استیلا ی کمونیسم بین المللی و اعمال داخلی آنهاست و حال آنکه این هیئت حاکمه است که با تشدید فقر و فساد و اختلاف طبقاتی و تن دادن بتوسعه نفوذ امپریالیسم غرب در تمام شئون مملکت ما کشور را بسوی کمونیسم سوق میدهد.
 - ۶- لازمه استقرار حاکمیت مردمی یا لایبردن درك اجتماعی آنها آگاهاندن آنها بنیروی عظیم اجتماعی و ملی است که در صورت بسیج استعدادات انسانی و اخلاقی آنها بوجود خواهد آمد و تقویت و رشد آگاهی مردم بمرحله ایمان و اعتقاد که اینقدرت را دارند و میتوانند رژیم ظالمانه اقتصاد کنونی را درهم ریزند و روابط سیاسی و اقتصادی اجتماع را آنطور که منافع آنهاست پی ریزی نمایند.
 - ۷- ما وحدت و اتحاد نیروهای ملی را در تمام مراحل مبارزه بزرگترین و اساسی ترین شرط موفقیت دانسته مسئولیت عظیم رهبران جنبه ملی و احزاب وابسته جنبه ملی را در حفظ وحدت در لوای شورای جنبه ملی در شرایط حساس که سرنوشت تاریخ میهن ما وابسته بمقاومت متحد و یکپارچه تمام نیروهای ملی است بطور جدی و بانهایت علاقمندی متذکر شد مخالفت خود را با هر نوع عملی که در جهت تشتت و تزلزل مرکزیت سازمانی بعمل آید صریحا اعلام میداریم.
 - ۸- شور و شادمانی خود را از پیروزی ملت رشید الجزایر اعلام و فد اکاری آنان را الهام بخش مبارزات حق طلبانه و ضد استعماری خود میشواریم.
 - ۹- ما با تایید هر نوع اقدام فعالانه و سازنده که موجب همکاری و تماس نزدیک نیروهای جنبه ملی با کارگران و کشاورزان و انبوه مردم و حل مشکلات روزمره و اجتماعی آنها گردد در مبارزه با امپریالیسم کمونیسم و انشجویان انشگانه تهران و وابسته جنبه ملی را در جوادیه تحسین و ستایش مینمائیم.

آیا امریکا اشتباهات گذشته را تکرار خواهد کرد؟

با تصویب غیرقانونی بودجه سال ۴۱ و اضافه کردن ۲۵۰ میلیون تومان به بودجه ارتش در مقابل کاستن ۲۰ میلیون تومان از بودجه وزارت بهداشت و سایر بخش‌های گوناگونی از بودجه دانشگاه و برقراری شهریه برای دانش‌آموزان دبیرستانها و دانشجویمان دانشگاه بار دیگر ثابت شد که تقلیل هزینه‌های نظامی به هیچ عنوان برای هیئت حاکمه دست نشانده ایران که بقا خود را در زینت و زینت‌های نظامی میداند قابل قبول نیست. طبق استدلال نادرست هیئت حاکمه ایران با مقایسه عماسایگان ششم کوچکتری از درآمد ملی خود را به صرف تجهیز نیروهای نظامی می‌رساند. هیئت حاکمه ضد ملی بیپناه آنکه این احوال را در واقعیتی شمالی از شرق و غرب نیز ممکن است مورد تهاجم غیر مستقیم کمونیست‌ها قرار گیرد نیروهای نظامی را سال بسال تقویت میکند و خواهان است که در دوستان خارجی او هم قسمتی از هزینه‌های سنگین چنین برنامه جاه طلبانه‌ای را به عهده گیرند. اما ظاهر اینگونه استدلال‌ها برای دولت امریکا دیگر قانع کننده نیست - آنها که در شرایط فعلی دنیا خطر کمونیسم را در خاور میانه می‌بینند از ناحیه مخلفات نظامی نمی‌بینند و به تاکتیک‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کمونیسم بیشتر توجه دارند و چون دیده‌اند که قوی‌ترین پایگاه‌های نظامی نتوانست است مانع پیشرفت کمونیسم گردد می‌گویند که کمونیسم را در موثرترین و جداب‌ترین میدان کارزارش یعنی در رقابت اقتصادی مغلوب کنند. بنابراین برای آنها شرکت در یک کنسرسیوم و امدهندگان بمنظور تأمین هشتاد میلیون دلار کمبود برنامه سوم بیشتر حائز اهمیت است تا آنکه کمپهای نظامی باینجهت این کمکها در سال جاری کاملاً قطع گردید. اگر دولت امریکا بکمال خود اطمینان بطور ضمنی به استدلال و فلسفه هیئت حاکمه تن در داده بود - در برابر این دو نظریه و سیاست متضاد امینی کوشید نقش واسطه را بازی کند و حال آنکه امریکا در برابر کمپهای پیشماری که با او کرد به بود انتظار داشت امینی با قاطعیت بیشتری در تقلیل سهم ارتش از بودجه یا فشاری کند و امریکار از شریعت‌ها "چک سفید" نجات دهد. امینی که اعمال خلاف قانونش میتواند او را در برابر اعمال هیئت حاکمه و امریکار تشویش برساند و برای انتقام جوئی قرار داد و در اندیشی کافی از زیر بار چنین کاری شانه خالی کرد و سازش با هیئت حاکمه را برادامه بر خورداری از پشتیبانی بی‌دریغ امریکا ترجیح داد. با کنار رفتن امینی هیئت حاکمه و دولت امریکا بدین واسطه در برابر هم قرار گرفته‌اند و اختلاف آنها بشکل یک زور آزمایی مستقیم نمودار شده است - خرید تراکتور از شوروی و سپردن روابط با آن کشور و گرایش سیاست انگلستان نوعی از حربه‌ها نیست که هیئت حاکمه در مقابل امساک دولت امریکا در کمپهای اقتصادی و نظامی بکار برده است. اما اگر دولت امریکا در سیاست خود تا این حد مصمم است که حتی برای نجس‌سازی دولت دست نشانده خود یعنی دولت امینی حاضر نشد دیناری کمک نظامی به هیئت حاکمه بدهد آنگاه باید انتظار داشت که طرز عمل آن در برابر هیئت حاکمه و بخصوص دولت فعلی که قیافه معلوم الحالی دارد به مراتب شدید تر و آتر باشد. اما در گذشته نیز دولت امریکا با چنین مسائلی روبرو بوده و هر بار در مقابل تهدیدها و آشاناتهای هیئت حاکمه راهمدار او سازش را انتخاب کرده است. دولت امریکا همین رویه را در آرژانتین دنبال کرد که نه فقط برای آرژانتین و پرو بلکه برای فلسفه "اتحاد برای پیشرفت" در سراسر امریکای جنوبی نتایج اسف انگیزی ببار آورد. حال باید دید که آیا در خاور میانه هم امریکا قصد دارد با سیاست کج در او مریز خود این بار بدست جانسون معاون رئیس جمهوری امریکا همان اشتباهات گذشته را تکرار کند؟

توطئه هیئت حاکمه علیه دانشجویان آزاده خاور کشور

بالاخره پس از ماهها سروصد اطرح جدید اعزام دانشجو به خارج در وزارت فرهنگ تکمیل شد ولی تعجب آورتر از هر چیز نامه سرگشاده وزیر سابق فرهنگ برئیس دولت وقت بود که بر سبیل مقدمه کوتاهی بطرح ۲۵ ماده‌ای اعزام دانشجو نگارش یافته بود. استنباط کلی خواننده از این نامه آنست که دانشجو ایرانی در خارج افراد یوازده هولوگرد و یازیکوش هستند. در این تردیدی نیست که در میان هفده هزار دانشجو و دانش آموز ایرانی که در شهرهای اروپا و امریکای بسرمیبرند معدودی یافت میشوند که از روی استیصال و فشار زندگی در یک کشور خارجی و با بعلت ضعف اخلاقی مرتکب اعمال ناشایسته و ناپسند میگردند ولی این موضوع فقط منحصر بیک قشر و یک ملیت نیست و با استناد این موارد استثنائی نمیتوان دانشجویان ایرانی خارج از کشور را محکوم نمود و انگشت اتهام و انتقاد بسوی آنان بلند کرد و اصل تحصیل در خارج از کشور را تخطئه کرد. دولت‌های چند ساله اخیر همگی متوجه خطری که وجود هزاران دانشجوی فعال و وطن پرست در خارج از کشور برای هیئت حاکمه ایران میکند شده بودند و همه نقشه‌ها و توطئه‌های دولت‌های قبلی برای محدود کردن دانشجویان با ذعان وزیر فرهنگ سابق "در دی‌راد وانگرد و باز هم سیل محصلین بشهرهای اروپائی و امریکائی سرازیر شد" آنچه موجب نگرانی مقامات دولتی است همین سرازیر شدن سیل محصلین بدانشگاه‌های خارجی است و طرح جدید وزارت فرهنگ نیز منظور متوقف ساختن این جریان تهیه و تدوین گردیده است - هیئت حاکمه اعداد ارد که تصویب و اجرای طرح جدید اعزام دانشجو به خارج بسیاری از دشواریهایی را که اکنون موجود است برطرف خواهد ساخت. معلوم نیست کدام دشواریها هیئت حاکمه را بیشتر رنج میدهد؟

وقوف عناصر حاکمه در این مملکت باینکه هجوم جوانان بموسسات فرهنگی و علمی چه در داخل و چه در خارج تحولی است متضاد با حفظ وضع موجود و ادامه حکومت استبدادی و فساد نمیتواند جنبش و میل زائدا لوصفی که در میان جوانان برای کسب علم و معرفت بعنوان تنها وسیله بهبود زندگی و پیشرفت شخصی بدیدار گذشته ازین ببرد و آنها را بکمک جهل و نادانی با فساد و بیدادگری و محدودیت‌های سیاسی و رکود اقتصادی موجود ایران سازش دهد. وجود هزاران جوان تحصیل کرده که بخاطر چپاولگریهای ناشی از استبداد و استعمار بیکار مانده‌اند برای دستگاه حاکمه و حفظ مفاخ نامشروع آن "خطر بزرگی است که رفته رفته آثار آن در همه جا مشهود شده است.

فجایع اخیر در دانشگاه تهران و شهرستانها و متعاقب آن موج تظاهرات و اعتراضات شدید دانشجویان ایرانی در امریکا و اروپا علیه حملات وحشیانه قوای انتظامی بدانشجویان تهران و شهرستانها همه دل بریداری طبقه جوان و اصطکاک اجتناب ناپذیر خواسته‌ها و آرمانهای سیاسی و اقتصادی آنان با وضع موجود جلعه ایرانی است.

هیئت حاکمه فاسد این خطر را حس نمود و برای حفظ خود در پی چاره جوئی برآمده است. دانشجویان ایرانی که در محیط نسبتاً آزاد اروپا و امریکا و راز سرنیزه و قنداق تنگ قوای انتظامی با تظاهرات و دسته جمعی و تماسهای فردی خود موجب رسوائی دستگاه حاکمه شده‌اند مانند خاری بیکر لید رژیم را آزار میدهند طبیعتاً مورد خشم و غضب دستگاه قرار میگیرند. در نظر هیئت حاکمه که در سال‌های نهاتومان صرف تبلیغات و انتشارات در کشورهای خارجی مینماید تا وضع داخلی ایران را بر خلاف آنچه که هست بجهت انیان نشان دهد وجود هزارها دانشجوی مطلع و فعال

وناراضی در ریایتختهای خارجی و درازچنگال سازمانهای انتظامی حقیقتن است تلخ و غیر قابل تحمل - ولی این حقایق تلخ را وزیر سابق فرهنگ در لفاظیه استدلالات غلط و ساختگی پنهان نگاه داشته و استدلال میکرد که تعداد دانشجویان در خارج زیاد است و در نتیجه ذخیره ارزی دولت تلف میشود.

در این جریانات اگر حقیقتا موضوع ارز و هزینه تحصیلی مطرح بود حتی وزارت بی اطلاع فرهنگ میتواند در ریاید که بود چه هیچ دانشگاه معتبر اروپائی و امریکائی تنها از منبع دریافت شهریه از دانشجویان تامین نمیشود و در مقابل هر د لاری که دانشجوی خارجی برای کسب دانش و هنر در موسسات معظم فرهنگی از قبیل دانشگاههای پاریس - کلمبیا - کالیفرنیا و لندن مصرف مینماید چندین برابر آن از منابع مختلف دولتی صرف هزینه تعلیم و تربیت وی میگردد. از این گذشته عدد زیادی از دانشجویان ایرانی مخصوصا از دانشجویانی که در امریکا و آلمان بسر میبرند قسمت عمده هزینه زندگی تحصیلی خود را از خارج از ایران از راه کارهای دستی و فکری تامین مینمایند.

بنابراین استدلال صرفه جوئی در مصرف ذخائر ارزی آنها در کشور که در سال در حدود سیصد ملیون دلار درآمد نفت دارد استدلالی است غلط و بی اساس و به این بهانه نمیتوان خود سرانه جوانان این مملکت را از حق همت بلند داشتن و از راه کسب علم و هنر بجائی رسیدن در هر کجا و هر زمان محروم نمود.

درخشش گفته است که دانشجویانیکه برای تحصیل به خارج میروند و از دههای دانشگاههای ایران هستند. معلوم نیست این قضاوت عجولانه مبتنی بر چه آمار و اطلاعاتی است. آیا ایشان منظوری جز تحقیق نمودن در دانشجویانی که بشرايط شاقی تن به تحصیل میدهند تا روزی فرزند ان مفید و برومندی برای این آب و خاک بشوند دارند؟ چه بسیارند دانشجویانی که با دخول بد دانشگاههای معتبر خارجی و اخذ مدارک عالی استعداد و مایه علمی و هنری خود را با ثبات رسانده اند.

اگر وزارت فرهنگ تا این حد نگران وضع دانشجویان ایرانی است چرانه تنها کوچکترین قدمی برای بهبود و توسعه مدارس و دانشگاههای ایران برنمیدارد بلکه با برقراری شهریه شرایط ادامه تحصیل را مشکل تر میکند.

آنچه مسلم است طرح جدید اعزام دانشجویان خارج از تحصیل در خارج جلوگیری نخواهد کرد و امید هیئت حاکمه مبنی بر اینکه دریافت ضمانت نقدی موجب تضعیف تظاهرات و فعالیتهای آزادیخواهان دانشجویان خواهد گردید و مزاحمت سیاسی کمتری در خارج برای هیئت حاکمه تولید خواهد شد جز امید باطلی بیش نیست.

در مبارزه ای که جوانان و روشنفکران ایرانی بر ضد زورگویی و قلداری آغاز کرده اند اختلافات طبقاتی موثر نیست - همه دانشجویان ایرانی مقیم خارج اعم از آنهاستیکه دارای منابع مالی کافی هستند و یا آنهاستیکه بهمت با زوری خود کار میکنند و یا افتخار و سر بلندی به تحصیل خود ادامه میدهند همگی از مجاهدین راه آزادی و پویان بخشیدن به دوران خود سربلندند و باید در پی مبارزه با حاکم فاسد و ولتهای غیر قانونی کوچکترین خللی در اراده و یامردی آنان ایجاد نخواهد کرد و آنها را به هیچ وجه نمیتوان از خود بمنظور رسوا کردن هیئت حاکمه فاسد در انظار جهانیان ادامه خواهند داد.

عصبانیت آزادی و جسد دارد!

از ورود دوستان آقای دکتر بختیار بمنزل ایشان روز

جمعه دوم شهریورماه با قوای پلیس بشدت جلوگیری کردند

روز جمعه دوم شهریور که جمعی از دوستان آقای دکتر شاپور بختیار خیال داشتند برای دیدن ایشان که پس از هفت ماه زندانی غیر قانونی آزاد شده اند بروند قوای پلیس از صبح منزل آقای دکتر بختیار را محاصره و بشدت از ورود دوستان بمنزل ایشان جلوگیری و ممانعت بگمل آورد و حتی از ورود ساکنان منزل جلوگیری می شد.

این ممانعت روزی بعمل آمد که آقای لیندن کانسون معاون رئیس جمهور ایالات متحده به تهران وارد میشود و شاه و دولت ضد ملی تظاهرات آزادی و موکراسی میکنند و باین تام میخواهند باز هم برای ادامه روش مستبدانه خود از امریکا کمک مالی و نظامی بگیرند تا بیشتر بر اختناق و آزادی کشی ادامه دهند. آقای

آقای جانسون باید بداند که کمکهای به هیئت حاکمه ضد ملی و مستبد باین مصارف رسیده و جیب عمال هیئت حاکمه فاسد را پر کرده است.

پیشنهاد به دولت در باره "کارمندان و کارگران" موهوم

چون با احتمال قوی "کارگران موهوم یا نامرئی" راه آهن تنها عده ای نبوده اند که "ستمزد" آنان بمصرف حزب سازی و کاخ سازی و غیره میرسد و نظیر آن یقینا در تمام دستگاههای عریض و طویل لشکری و کشوری وجود دارد بهتر است در چه زود تر یک سر شماری کامل از کلیه افراد که بنحوی از انحاء از بودجه دولت حقوق میگیرند بعمل آید تا معلوم شود حقوق چند هزار نفر دیگر کارمندان نامرئی در ماه بجیب عدا صرود لالان هیئت حاکمه سر از بر میشود.

بدیهی است ترتیب سر شماری کارمندان دولت باید بهتر از جریان سر شماری عمومی کشور و یا شمردن آراء و تصدیق انتخاباتی باشد زیرا در آن صورت ممکن است نوع دیگری از کارمندان و کارگران موهوم در دستگاههای دولتی پیدا میشوند تا کثرت حقوق و ستمزدی نمیگرفته و بالاخره یک چیزی هم از دست طلبکار شوند.

سؤال از دولت: سرمایه بانك رفاه کارگران چه مصرفی رسیده است؟

مدیرعامل سازمان بیمه های اجتماعی کارگران هنگام بازدید از یکی از بیمه رستانهات توضیحات و آماری در مورد فعالیتهای بیمه های اجتماعی را اختیار جراید گذشت و گفت که "ما سعی داریم کارهای انجام شده سازمان را منسوخ کنیم" و در ضمن متذکر شد که در آخر سال ۴۰ جمعا ۳۱۵۰۰۰ نفر کارگر در ایران مشمول بیمه بوده اند. نظر باینکه مقداری از برادران اختتامی کارگران عووض اینکه با امور کارگری برسد در اختیار بانك رفاه کارگران گذاشته شده است جبهه ملی بعنوان نماینده قاطبه کارگران خواستار است که بانك مزبور بر همان اشخاص متفرد را که از بانك مزبور تبار گرفته اند اعلام کند تا کارگران ایران بداند بولهای آنها توسط چه نور چشمی های حیثتمیل میشود و بجا ایجاد رفاه بر آنان چگونه مشتی مفتخور بر سرمایه اند و زیها و کاخ سازیهای خود میافزایند.